

جاودانی: هنوز گزارشی به ما نرسیده است

محرومیت ۲ جلسه‌ای سایننتو گمانه‌زنی است

ماجرای محبی-شهباززاده در استقلال برعکس شد!

ستاره‌ای برای آینده تیم ملی

بردیف اولین باخت پرسپولیس را ثبت کرد

سبقت تراکتور با چراغ روشن

مرزبان در گفت‌وگو با «فرهیختگان»: دودستگی نه، تیم ملی درگیر سه‌دستگی است!

کی‌روش اینجا محبوب است و باید تیمش را متحد کند

آزمون و طارمی دوست ندارند تک‌مهاجم یا وینگر باشند باختن به انگلیس اشکال ندارد وقتی می‌توانیم ولز و آمریکا را ببریم

حمیدرضا اسکندری

خبرنگار

عملکرد خوب تیم ملی در دو بازی اخیرش مقابل اروگوئه و سنگال و نتایج این دو بازی خیلی‌ها را چه در داخل و خارج از کشور به تیم کارلوس کی‌روش در جام جهانی امیدوار کرد. حتی نگاه رسانه‌های اروپایی و آمریکایی هم به تیم ملی ایران عوض شد و حالا برای تیم ما هم در گروه ب حتی شانس صعود هم قائل هستند. علیرضا مرزبان که در تیم‌های مختلف ایرانی مربیگری کرده و در حال حاضر در آلمان اقامت دارد در مورد مسائل مختلف پیرامون تیم ملی به سوالات «فرهیختگان» به شرح زیر پاسخ داد:

III

از کنار گذاشتن دراگان اسکوچیچ و بازگشت کی‌روش شروع کنیم. در این مورد من از چند دیدگاه نظرم را می‌گویم. اول اینکه تیم ملی با اسکوچیچ نتایج فوق‌العاده‌ای را در رقابت‌های مقدماتی جام جهانی کسب کرد و یکی از مسائلی که باعث شد این مربی کروات از تیم ملی کنار گذاشته شود اختلافات درونی تیم ملی بود. این اختلافات به‌قدری ریشه‌دار بود که اعتماد بین اعضای تیم ملی واقعا کم شده بود و درواقع اصلا اعتمادی وجود نداشت.

فکر می‌کنید این اختلافات از کجا آغاز شد؟

فکر کنم از زمانی که اسکوچیچ در یک مصاحبه انتقاداتی را از بازیکنان ایرانی مطرح کرد. در همان مقطع مهدی طارمی واکنش نشان داد و گفت بازیکنان ایرانی ناکنکب پذیر هستند. این اختلاف در واقع همان‌جا آغاز شد و طارمی ردروی سرمربی تیم ملی قرار گرفت. در ادامه تعدادی از بازیکنان در کنار طارمی قرارگرفته و در موضع گیری مقابل اسکوچیچ با مهدی هماهنگ شدند. همان نفراتی که کمتر در ترکیب تیم ملی قرار می‌گرفتند. همان‌جا ریشه اختلاف زده شد و در اردوی قطر نیز اوج گرفت.

به‌نظر می‌آید شکست ایران مقابل کره جنوبی هم انتقادات زیادی را متوجه اسکوچیچ کرد.

بله شکست ایران در این بازی کافی بود تا صحبت از برکناری اسکوچیچ و آمدن یک مربی بزرگ خارجی مطرح شود. مساله دیگری که در مورد برکناری اسکوچیچ می‌خواهم مطرح کنم بحث مدیریت او بود که منتقدینش اذعان داشتند او نمی‌تواند در تیم ملی اتحاد و احساس مشترک ایجاد کند. این مساله به عقیده من نقش مهمی در پایان کار اسکوچیچ در تیم ملی داشت. به عقیده من یکی از وظایف مهم سرمربی ایجاد اتحاد، همدلی و وحدت در تیمش است. نبود همین وحدت باعث شد که شاهد آن حواشی رخ داده پیرامون تیم اسکوچیچ باشیم.

گفته شد برخی از بازیکنان بعد از دیدار با مسئولان بالاتر به ورزش و حتی نهادهای بالاتر خواستار برکناری اسکوچیچ بودند! به‌هرحال این اتفاقی بود که رخ داد. درواقع اسکوچیچ خیلی مهندسی کنار گذاشته شد و برگرداندن کارلوس کی‌روش هم دقیقا در همین راستا بود. او در زمانی که اسکوچیچ سرمربی تیم ملی بود پشت پرده با مسئولان ایرانی برای هدایت ایران در جام جهانی توافق کرده بود. حتی با بعضی از بازیکنان ایران در تماس بود که این مساله این احساس را در انسان می‌کشد که شما به‌عنوان یک سرمربی نباید تا زمانی که تیمی سرمربی دارد در آن تیم دخالتی داشته باشید. اما کی‌روش به این موضوع اهمیت نداد و در زمانی که تیم ملی سرمربی داشت با مهدی تاج به توافق نهایی هم رسید

تا حدی که تاج قبل از انتخابات فدراسیون در برنامه زنده تلویزیونی مدعی شد اگر دوباره رئیس شود کی‌روش را برمی‌گرداند.

اعتقاد دارید که با اسکوچیچ رفتار خوبی نشد؟

به عقیده من رفتاری که با اسکوچیچ شد بیشتر تخریب شخصیت او بود که از نظر انسانی و حرفه‌ای کار درستی نبود. ما نباید اسکوچیچ را از نظر احساسی و حتی کاری نابود می‌کردیم. باید خیلی حرفه‌ای تر و انسانی‌تر با اسکوچیچ صحبت می‌شد و عذرش را می‌خواستیم. نباید فراموش کنیم درآگان تیم را در بدترین شرایط از وِلْموتس تحویل گرفت و توانست به‌خوبی سازماندهی کند. اسکوچیچ واقعا احترام بیشتری را از ما ایرانی‌ها احتیاج داشت.

به‌هرحال اسکوچیچ رفت و حالا سکان هدایت تیم ملی به کارلوس کی‌روش سپرده شد، مریی که در شروع کارش دو نتیجه خوب در بازی‌های دوستانه کسب کرد.

موضوع مهمی که لازم می‌دانم به آن اشاره مستقیم داشته باشم عدم اتحاد تیمی است که در این دو بازی دوستانه در تیم ملی شاهد بودیم. مساله‌ای که باید در مورد آن واقع‌بین بود و اهمیت زیادی به آن داد. نمی‌توانیم به خودمان دروغ بزرگی بگوییم و یک واقعیت بزرگ را پنهان کنیم. برای حل این مشکل بزرگ باید راهکار پیدا کرد و در مورد آن حرف زد. باید از نیروهایی که داخل تیم هستند برای ایجاد اتحاد تیمی استفاده کرد. باید کاری کنیم بازیکنان تیم ملی ما احترام همدیگر را از چه از نظر شخصی و چه فوتبالی حفظ کنند. بارها این مساله از سوی سرمربی و سرپرست تیم ملی در روزهای اخیر شنیده شده که اختلاف و دودستگی در تیم ملی وجود ندارد اما به‌سادگی می‌توان فهمید که نه‌تنها دودستگی بلکه سه‌دستگی در تیم ملی وجود دارد.

برای این ادعای خود دلیل هم دارید؟

به عقیده من الان دو گروه در تیم ملی هستند که از نظر تفکر و مشکلات درون تیمی با یکدیگر اختلاف عمیقی دارند و یک گروه سوم هم هست که خودشان را وارد این معرکه نمی‌کنند و آنها می‌دانند که اختلاف بزرگی بین گروه یک و دو وجود دارد. تا قبل از شروع جام جهانی کی‌روش باید به‌خوبی این مساله را درک و کمکش کنیم تا حل کند. همه ما باید به‌عنوان یک هوادار تیم ملی کمک کنیم تا کشورمان در جام جهانی نتایج خوبی کسب کند و این مساله دروغ بزرگی است که مدام می‌گوییم از تیم ملی حمایت می‌کنیم اما مساله بزرگی را پنهان می‌کنیم. واقعیت این است که ما اختلافات بزرگی در درون تیم داریم. کی‌روش باید در همین فرصت کوتاه با صحبت با بازیکنان این مساله مهم را حل کند. یکی از موارد مهمی که به آن اشاره شده دو تجربه تلخی است که کی‌روش در دو کشور کلمبیا و مصر داشته است. طبق اطلاعاتی که من دارم بازیکنان هر دو کشور دیگر تمایلی برای کارکردن با کی‌روش نداشتند. درواقع در هر دو تیم انقلاب درون تیمی رخ داد که منجر به پایان کار کی‌روش در هر دوجا شد. این مساله خیلی حائز اهمیت است که بدانیم فدراسیون‌های کلمبیا و مصر علاقه‌مند به همکاری با کی‌روش بودند اما بازیکنان آنها مخالف این قضیه بودند. چون کی‌روش با رفتارهایی که در این دو تیم داشت باعث شد که همبستگی بین نفرات آنها وجود نداشته باشد. البته نه اینکه کی‌روش باعث عدم همبستگی بین نفرات آنها شده باشد بلکه هم کلمبیا و هم مصر قبل از آمدن کی‌روش هم اتحاد تیمی نداشتند. کارلوس درواقع نتوانست اتحادی بین نفرات دو تیم ایجاد کند و این مساله برای او گران تمام شد.

به‌نظر می‌آید کی‌روش هم بابت عدم نتیجه‌گیری در کلمبیا و مصر ضربه روحی خورد!

بله این ناکامی‌ها به شخصیت مربیگری او ضربه زد و باعث شد کارنامه مربیگری او در تیم ملی با ناکامی‌هایی همراه باشد. به‌خصوص بعد از اینکه بازیکنان این دو تیم خواهان جدایی‌اش شدند. البته یک نکته مثبت درمورد کی‌روش وجود دارد که او در ایران چه در بین هواداران و چه بازیکنان تیم ملی محبوب است. در کنار این مساله اتحاداهالی فوتبال در داخل کشور به تیم ملی هم کمک زیادی خواهد کرد. اول از همه باید به کی‌روش کمک کنیم اتحاد بین بازیکنانی که با هم اختلاف دارند ایجاد کند. قطعاً شرایط تیم ملی با ۴ سال و ۸ سال پیش که در جام جهانی بوییم خیلی فرق کرده است. در آن دو مقطع بازیکنان تیم ملی اکثرا مطرح نبودند و به‌طور کامل تابع نظم و دیسیپلین کی‌روش بودند اما الان شرایط فرق کرده است و خیلی از این بازیکنان دیگر تفکر و شخصیت آن موقع را ندارند.

فکر می‌کنید بهترین راه برای ایجاد اتحاد تیمی چه راهی است؟

کی‌روش بعد از شروع کارش تصمیم گرفت یک‌سری بازیکنانی که شخصا به آنها اعتقاد و اعتماد داشت را به ترکیب تیم ملی اضافه کند. کاری به این نداشت که آنها پیش از این چه شرایطی در تیم ملی داشتند یا حتی در تیم خود فیکس هستند یا نه. البته طبیعی بود که کی‌روش چنین اقدامی انجام دهد و هر مربی باهوشی هم بود چنین کاری را انجام می‌داد. مساله دیگری که در دو بازی اخیر تیم ملی به همه ثابت شد پایان بازی کردن تیم ملی با دو مهاجم است که در زمان اسکوچیچ به‌خوبی جواب داد. به‌هرحال وقتی کی‌روش دید در کلمبیا و مصر نتوانست با دو مهاجم نتیجه‌ای که می‌خواهد را بگیرد دوباره به تفکرات دفاعی قبل خود روی آورد تا در نتیجه‌گیری تیمش ثبات وجود داشته باشد. در همین دو بازی دیدیم که در مواقعی تیم ملی حتی با سه هافبک دفاعی بازی کرد. مساله مهم نیمکت‌نشینی مهدی طارمی یا سردار آزمون است که خودش انقلابی را در تیم ملی ایجاد می‌کند. نه سردار و نه آزمون دوست ندارند وینگر باشند یا تک‌مهاجم تیم که مجبور شوند پرس شدید کنند. هردو دوست دارند در نوک خط حمله به دروازه حریف نزدیک شوند. اگر قرار باشد کی‌روش روی تصمیم خود برای بازی با یک مهاجم پافشاری کند حتما باید قبلش با آزمون و طارمی صحبت کرده و آنها را متقاعد به بازی در شرایط جدید کند. این دونفر درواقع نیروی‌های خاص تیم ملی هستند که تعدادی بازیکن هم اطراف خود می‌بینند. درواقع هر دو گروه الان مخالف شرایط هستند که کی‌روش باید آن را حل کند.

به‌نظر شما چه سیستمی برای تیم ملی مفیدتر است؟

بحث انتخاب سیستم بازی مساله‌ای بسیار مهم و حیاتی برای بازیکنان تیم ملی است. این موضوع باید در درون تیم حل شود. صرفا اینکه بگوییم کی‌روش عقیده دارد بهترین سیستم همین روشی است که در دو بازی اخیر به کار گرفتیم و بازیکنان باید تابع آن باشند اصلا منطقی نیست. از این جهت که دیگر این روش کار مربیگری که به‌نوعی دیکتاتورمانه است به پایان رسیده. این بازیکنان دیگر بازیکنان ۸ سال و ۴ سال پیش نیستند. اکثر آنها در لیگ‌های معتبر اروپایی بازی کرده یا می‌کنند و درآمد‌های خیلی خوب هم دارند. وقتی یکی از بازیکنان تیم ملی ساعت ۳۰ هزار یورویی به دستش می‌بندد دیگر بازیکن ۸ سال پیش نیست که هرچه سرمربی دستور دهد بگوید چشم. اکثر آنها شخصیت بالایی در جامعه و فوتبال آسیا و حتی جهان پیدا کرده‌اند و دیگر کسی نمی‌تواند به آنها زور بگوید. دوره‌ای که من سرمربی هستم و هرچه می‌گویم باید همان شود دیگر به اتمام رسیده است.

موضع باشگاه استقلال درقبال اخراج سایننتو با ارسال نامه به کمیته انضباطی:

الهویی دروغ گفت مربیان گل‌گهر باید محروم شوند

عضو تیم داوری: تصمیم عرب‌براقی ربطی به حرف‌های الهویی نداشت

اخراج سایننتو بر اساس مقررات بازی بود



عکس: ایسنا



مگر اینکه سرمربی بتواند با استدلال‌های خودش بازیکن را متقاعد کند که برای بهتر نتیجه گرفتن چه روش‌هایی بهتر است. سرمربی تیم ملی باید راهی را انتخاب کند که بازیکنان بپذیرند. این نفراط شخصیت اجتماعی و فوتبالی‌شان خیلی با دوره قبل جام جهانی تغییر کرده است.

اما وقتی بازیکنی پیراهن تیم ملی را بر تن می‌کند فقط باید به موفقیت این تیم فکر کند و نه مسائل دیگری.

بله اینکه بازیکنان باید در پیراهن تیم ملی تابع باشند و فقط فکر و ذهن‌شان ما مربیان این است که اگر راهکاری داریم که به تیم ملی کمک می‌کند می‌کند شخصیت هریک از بازیکنان است. آنها می‌خواهند در دید رسانه‌ها باشند و شخصیت خوب و موجه‌ای از خود در جامعه به‌نمایش بگذارند. شاخصه‌های مختلفی است که کی‌روش باید آنها را برای ایجاد اتحاد تیمی مدنظر قرار دهد. خاطرم هست زمانی که با مرحوم کرانچار در تیم مونته‌نگرو بودیم توانستیم با انگلیس مساوی کرده و ولز را دو بر یک شکست دهیم. دلیل موفقیت تیم ما سازماندهی خوب، استراتژی خاص و اتحاد بالای تیمی بود. نتیجه گرفتن مقابل این دو تیم برای تیم ملی غیر ممکن نیست. وظیفه ما مربیان این است که اگر راهکاری داریم که به تیم ملی کمک می‌کند آن را مطرح کنیم. اگر من نکته‌ای را گفتم فقط برای کمک به تیم ملی بود و اصلا قصد تخریب کی‌روش یا تیم ملی نیست. مشکلاتی که هست باید عنوان شود تا به‌دنبال حل آنها باشیم چرا که پنهان کردن‌شان کمکی به تیم ملی نمی‌کند. البته صحبت کردن در مورد مشکلات یک‌طرف جریان است و راهکار ارائه‌دادن هم مساله دیگری است. ما باید این احساس را داشته باشیم که تیم ملی سرافرازی در جام جهانی داشته باشیم تا همه به آن افتخار کنیم. در این زمینه باید مراقب بود به کسی توهین نشود. حتی اگر در جام جهانی مقابل انگلیس در بازی اول بازنده بودیم نباید همه چیز را تمام شده دانست و دو بازی دیگر وجود دارد که کمک می‌کند از گروه صعود کنیم. ما قدرت شکست هر دو کشور ولز و آمریکا را داریم و این اتفاق با اتحاد ملی و تیمی رخ خواهد داد.

راهکار شما برای کمک بیشتر به تیم ملی چیست؟

به‌نظر من کی‌روش جدا از اینکه باید در مورد مسائل مختلفی که گفتم با بازیکنان صحبت کرده و اتحاد تیمی ایجاد کند باید با مربیان باشگاه‌ها هم دیدار داشته باشد. یک‌سری مسائل درون تیمی است که مربیان باشگاه‌ها می‌توانند در مورد آن با کی‌روش صحبت کنند و او را در جریان بگذارند. اینکه ما انتظار داشته باشیم کی‌روش در داخل ایران باشد و بازی‌های لیگ را ببیند یک تفکر اشتباه است؛ چراکه الان در فاصله نزدیک جام جهانی کی‌روش بهتر است راهی کشورهای اروپایی شده و وضعیت بازیکنان لژیونر را از نزدیک ارزیابی و با آنها دیدار داشته باشد. در همین دیدارها می‌تواند در مورد سیستم مدنظرش در جام جهانی با آنها حرف بزند. به‌عنوان مثال وقتی ما مدافعان را برای جام جهانی انتخاب کرده‌ایم به آنها بگوییم که قرار است مقابل چه مهاجمانی بازی کنند و به شناخت لازم از مهاجمی مثل هری کین برسند. همه این مسائل باید قبل از اردوی آخر جام جهانی از طریق کی‌روش به بازیکنان گفته شود تا وقتی اردو شروع شد بازیکنان وظایف خود را به‌خوبی بدانند. اگر کی‌روش دو سه روز با طارمی، سه روز با آزمون و همین‌طور به همه لژیونرها سربزند و نکات مهم را به آنها انتقال دهد دیگر فرصت دیدن بازی‌های لیگ را نخواهد داشت. در این مورد هیچکس نباید از کی‌روش انتقاد کند چرا که او وظایف خیلی مهم‌تری دارد. الان همه هدف کی‌روش باید نزدیک کردن بازیکنان به یکدیگر و آشنا کردن‌شان به وظایفی باشد که در بازی‌های جام جهانی خواهند داشت.